

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

چهارشنبه ۰۳ جولای ۲۰۲۴

مترجم: فریده نوری

## طالبان و به آزمون گرفتن قدرت شان

غرب آن ها را منزوی ساخت، رژیم افراطی شد

منبع: Le Monde diplomatique

نویسنده مضمون: محقق امور قضایی افغانستان

Adam Bacsko

تاریخ نشر: ۲۴ جون ۲۰۲۴

در ماه آگست ۲۰۲۱ طالبان بعد از خروج کامل قدرت های خارجی، یکی بعد دیگر شهر های اساسی و مهم افغانستان را فتح نمودند و امارت اسلامی افغانستان را دوباره برقرار نمودند. اگر آن ها جنگ را از برکت مستقر نمودن ادارات موازی به دولت جمهوری اسلامی که دارای محاکم و قوای قضائیه که در آن فساد اداری بسیار کم، نظر به دولت جمهوری اسلامی افغانستان که از حمایت جامعه بین المللی برخوردار بودند، به وجود آوردند. اما این ادارات موازی بسیار ابتدایی بوده و جوابگوی احتیاجات یک جمعیت سی ملیونی نفوس رو به افزایش از یکطرف و همچنین سپری نمودن چندین دهه جنگ که با از دست دادن تمام غنا های شان بسیار فقیر شده بودند، نبود. قبل از به قدرت رسیدن، طالبان توجه خود را به مسائل قضایی تمرکز داده بودند، در این زمینه می خواستند که بهتر از دولت حامد کرزی و بعداً اشرف غنی عمل نمایند، اما در اثر ستراتیژی شورشی و آشوبگرانه تمام مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کنار گذاشته شد. افغان ها نه تنها برای مشکلات قضایی شان به مسئولین تحریک طالبان مراجعه می کردند، بلکه برای حل مشکلات و درگیری های روزمره مانند دزدی، قتل و احتیاجات اساسی زندگی، تغذیه نمودن خانواده های شان، مکاتب برای تعلیم اطفال شان، دسترسی به تداوی و کار یابی نیز به آن ها مراجعه می کردند، زیرا یک تعداد زیاد مسایل توسط رهبران جمهوری اسلامی افغانستان نادیده گرفته می شد.

بنام مردم به یک توافق جدید نیازمند بودند، مخصوصاً که حالا ننتها مردم قریه جات و دهات با ایدئولوژی محافظه کارانه و مرد سالارانه طالبان موافق اند، بلکه مناطق شهری و منطقه شیعه نشین هزاره جات که مخالف به قدرت رسیدن دوباره شان بودند، با آن ها موافق اند.

فلهذا طالبان بعد از چهل و سه سال جنگ، رژیم خود را دوباره مستقر ساختند و به دو دهه دولت آلوده به فساد، و انتصاب خویشاوندان در پوست های دولتی خاتمه دادند.

مداخله جامعه جهانی که مهم ترین و طولانی ترین مداخله بود که در تاریخ سابقه نداشت، اما هیچ نوع حاصلی از نقطه نظر زیربناها برای افغانستان بجا نگذاشت. سه بر چهارم پول کمک فقط افغانستان را ترانزیت نموده و دوباره به کشور های غربی توسط قراردادی ها دست به دست می شد و از طرف دیگر ارائه صورت حساب های غلط و خیالی برای هزینه های عملیاتی.

پول هائی که در داخل رژیم مصرف می شد عموماً در جیب قدرتمندان رژیم می رفت.

### **خصوصیات حاکمیت:**

تحت این شرایط، طالبان می کوشند که تا با ادارات خورد، امور دولت را پیش ببرند و بالای درآمد گمرکی اتکاء نمایند، درآمدی که در دو دهه دولت قبلی قسمت اعظم آن در جیب صاحبان قدرت می رفت. همچنان آن ها مراقب گرفتن مالیات و قیمت گذاری بالای تجاران خوردتر که قبلاً بکلی به آن توجه نمی شد، نیز هستند. رژیم فعلی حق العبور موتر های لاری و قیمت کارت های تلفون و قیمت ذغال را که به پاکستان صادر می گردد، نیز بلند بردند.

تحت شرایطی که کمک ها قطع گردید، اقتدار جدید با ارائه یک بودجه ۶، ۲ میلیارد دالری در سال ۲۰۲۲، که نظر به سال های قبل دو نیم مراتبه تقلیل یافته بود، موفق شدند. اگر چه طالبان نظم و امنیت را برقرار نمودند، لکن قحطی و گرسنگی در کشور حکمفرما گردیده است، زیرا قحطی نظر به خشک سالی های متواتر چند سال اخیر به خوبی پیش بینی می شد.

نود و پنج فیصد افغان ها زیر خط فقر و نیم نفوس نمی تواند به درستی تغذی نمایند، از طرف دیگر در زمینه معارف و صحت که با حضور جامعه بین المللی در آن پیشرفت دیده می شد، در حالیکه در سیاست طالبان در این دو مورد توجه قابل ملاحظه با وجود نشان دادن علاقه زیاد مردم، به مشاهده نرسید.

در هنگام جنگ در اثر فشار مردم در مناطق تحت کنترل طالبان، تحریک طالبان از حمله و تخریب زیربنا ها صرف نظر کرده و برای اهدا کنندگان غربی اجازه دادند که مکاتب و کلینک های صحی

را تمویل نمایند. در عوض آن نصب نمودن بیرق خود را بالای بنا های متذکره و تغییر مدیریت را تحمیل نمودند.

اولاً بعد از رسیدن به اقتدار و مجبوری شدید، به ساخت و ساز دولت و ادارات دولتی پرداختند. در فردای رسیدن به قدرت تعدادی زیاد از قضات و افرادی مطمئن و قابل اعتماد تحریک را مقرر نمودند تا وزرا و والی های جدید را در کار های شان مشوره نمایند. ارتباط بین مامورین رژیم سابقه و کدر های جدید رژیم طالبان آسان نیست.

لوی څارنوال جدید بلخ شکایت دارد که مجبور است از یک طرف با قاضی های سابقه که دوباره به کار گماشته شده اند که عملکرد مناسب و روش های ضروری برای پیشبرد وظایف خود را میدانند، اما احتمالاً آن ها فاسد و غیر صادق هستند، و از طرف دیگر قضات مربوط به طالبان می باشند که در صداقت و وفاداری شان شک وجود ندارد اما لیاقت و شایستگی لازم را برای یک دستگاه اداری که در آن کاغذ پرانی به اوج خود رسیده بود و هیچ نوع شباهت با محاکم مختصر و ابتدایی طالبان ندارد، کار کند.

در مقابل کمبود کدر ها، که به درازا کشید، دولت می کوشد تا توجه علما را که یک اندازه در کار های دولتی بلدیت پیدا نموده اند، جلب نماید.

اولویت دیگر این رژیم جدید، بدست آوردن به رسمیت شناختن رژیم شان از طرف جامعه بین المللی می باشد. طالبان در واقع علاقمندی زیاد به دولت داری دارند.

زمانیکه به قدرت رسیدند آرزوی همکاری را با شرکای بین المللی خود در مورد تروریزم و مهاجرت نمودند. در شروع به قدرت رسیدن، بالای مردم برعکس مرحله اول اقتدار شان، از شدت زیاد استفاده نکردند. نشانه دیگر سعی و تلاش شان در مرحله نخست همکاری فعال با دفتر ماموریت کمک و حمایت ملل متحد بود که رول مهم و اساسی را برای جلوگیری از وخیم شدن قحطی و گرسنگی بازی می کرد. اما تعهد به این ستراتیژی نیز با شکست به پایان رسید.

ایالات متحده که از شکست خود آسیب دیده است، تلاش می کند تا افغانستان را منزوی کند، با مصادره پول بانک مرکزی افغانستان، که در بانک فدرال امریکا سپرده شده است و با اعمال یک رژیم تحریم که نه تنها اقدامات آژانس های توسعه دولتی، بلکه سازمان های غیر دولتی را که خود وابسته به بودجه غربی هستند، مسدود می کند.

اساس طرز برخورد و اشنگتن، پاسخگوی افکار عمومی داخلی شان است. اداره جو بایدن میداند که اقدامات امریکا باعث سقوط امارت اسلامی افغانستان نمی شود، برعکس تأثیر نامناسب بالای مردم می گذارد، عیناً مانند ناکامی در مقابل جزا دادن صدام حسین در عراق.

همراه با انتخابات امریکا در ماه نوامبر سال ۲۰۲۴، و پرسش سوال ها در مورد سیاست بین المللی امریکا در تبلیغات انتخاباتی، بایدن خواهد کوشید که در مورد افغانستان از دام حریف انتخاباتی خود که احتمالاً دونالد ترامپ خواهد بود اجتناب نماید.

بدون داشتن کوچکترین امید به رسمیت شناختن رژیم شان، رهبران طالبان تمام افکار خود را بالای جنگجویان جوان شان متمرکز نمودند زیرا که آن ها تمایلی به سازش ندارند و خواستار تطبیق شریعت اسلامی هستند که برای آن جنگیدند.

بعد از سال ۲۰۲۲ تحریک به سرکوب نمودن، مانند سانسور نمودن رسانه ها و حتی گرفتار نمودن و توقیف خبرنگاران مخالف رژیم، شروع نمودند.

فعالان زن مورد هدف قرار گرفتند. تظاهرات شان متفرق و پراکنده شد و بعضی شان دستگیر گردیدند. دولت اقدامات محدود کننده علیه زنان، مخصوصاً دسترسی به تعلیم و کار را چند برابر نمودند. ساحه را بالای زنان تنگ نمودند مانند معالجه توسط نرس و داکتر زن، زیرا از آنها خواستند که بکار شان ادامه بدهند .

علامه سختگیرانه دیگر تطبیق جزا هایست که با شریعت اسلامی مطابقت داشته باشد، اما فعلاً مانند سال های ۱۹۹۰ مورد تطبیق قرار داده نشده است. با در نظر داشت بیانات فوق الذکر برای فعلاً سلطه طالبان برای کوتاه مدت تضمین است.

در حالیکه ممالک غربی از افغانستان رو برگرداندند، کشور های همسایه، چین، روسیه، ممالک گلف روابط دیپلماتیکی با کابل برقرار نمودند، که نشان دهنده به رسمیت شناختن امارت اسلامی افغانستان می باشد. برخلاف کشور های غربی، این کشور ها تصور می کنند که بعد از بیشتر از چهار دهه جنگ مسلحانه، ثبات منطوقی ایجاب می کند تا با رژیم بر سر اقتدار رفتار و معامله نمایند. حتی هند در ماه نوامبر سال ۲۰۲۳ سفارت رژیم مخلوع را در دهلی نو مسدود نمود، که شاید سرآغاز باز نمودن سفارت شان در افغانستان باشد.

اقتدار فعلی افغانستان برای بدست آوردن یک منبع عایداتی بالای استخراج معادن زیر زمینی که فوق العاده غنی می باشد، سرمایه گذاری، و شروع به براه انداختن پروژه های بزرگ که هیچ وقت توسط رژیم های گذشته در افغانستان به معرض اجرا گذاشته نشده بود، اقدام نمود.

در جنوری ۲۰۲۳ یک کمپنی چینیایی la Xinjiang Central Asia Petroleum and Gaz (Capeic) Company، تعهد به سرمایه‌گذاری ۵۴۰ میلیون دلار برای استخراج نفت برای مدت سه سال در حوضه‌ی آمو دریا در شمال افغانستان را نمود. شش ماه بعد دولت امضای چندین موافقه را به سرمایه‌ی ۵، ۶ میلیارد دلار همراهی شرکت‌های چینیایی، ایرانی، ترکی و انگلیسی برای استخراج آهن و طلا امضاء نمود.

در حقیقت ارزش معادن افغانستان به صورت منظم در رسانه‌ها زیادتر از هزار میلیارد دلار تخمین شده است، که شاید حقیقت نداشته باشد. عدد عجیب و گزاف را که در سال ۲۰۱۰ نیویارک تایمز اعلان نمود در حقیقت گرفته شده از ماموریت جیولوژیکی شوروی در اخیر سال‌های ۱۹۷۰ بوده و حقیقت آن مبهم می‌باشد.

از طرف دیگر بلند بودن سرمایه‌گذاری بالای معادن به داشتن زیربناها و ثبات سیاسی و امنیتی چندین دهه ضرورت دارد که متأسفانه رژیم فعلی از آن محروم است. مذاکرات و امضاء نمودن قراردادها، سبب بلند رفتن اعتبار شان می‌گردد و به این ترتیب در پایدار بودن اقتدار شان کمک می‌کند.

همچنین رژیم طالبان از عدم موجودیت مخالفان منظم مستفید می‌باشد، به استثنای مخالفان مسلح تشکیل دولت اسلامی خراسان، که وقتاً فوقتاً سبب حملات پراکنده می‌شوند.

طرفداران رژیم سابقه و بقایای رژیم کمونیست در بیرون از کشور زندگی می‌کنند و بعضاً از خارج کشور علیه رژیم مبارزه می‌کنند (مبارزه زیر لحاف)، اما عدم حضور شان در کشور و هم عدم اعتبار شان در نزد مردم، برای طالبان تهدید به حساب نمی‌روند.

موفقیت طالبان به چهل سال جنگ مسلحانه در افغانستان، برای فعلاً خاتمه داده است.